



از حماسه سرائی برای اصلاحات تا نوحه سرائی برای اصلاح طلبان

سیاتل، پراگ و اینک نیس
پیرامون مبارزه جهانی طبقه
کارگر علیه سرمایه

جهل و جنون را از دروازه‌های "خرد" و "تمدن" به ما و به جهانیان بشارت میدادند! محاکمات اخیر بر تمامی این یابوهرات ها خط بطلان کشید و بار دیگر کیفر عبور از خط قرمزهای حاکمیت و مرزهای پلورالیسم مجاز را به یکایک مصلحین این نظام اصلاح ناپذیر خاطر نشان نمود. در حقیقت دادگاه‌های نمایشی رژیم هشدار بود به کلیه جریانات اصلاح طلب حاشیه حکومت، تا خود را بیش از پیش با آهنگ و شتاب اصلاحات حکومتی هماهنگ و همساز کرده و از سرنوشت مصلحین خوش باور و تندرو عبرت بگیرند. در طول این محاکمات ابراهیم نبوی ناچار شد از انتقاد گذشته به محافظه کاران دست بشوید و نیش انتقادات خود را به سمت تندروی های خویش و زیاده خواهی استحاله طلبان حاشیه حکومت معطوف کند. عزت الله سبحانی با سرافکنندگی بر تلاش گذشته و حال خویش در حفظ آبروی نظام انگشت گذاشت و تلویحا از اهداف واقعی کنفرانس برلین نیز پرده برداشته و اعلام کرد که آقای هارتمن در تهران در دفترمان گفت که آقای خاتمی سفری به آلمان خواهند

در هفته های اخیر محاکمه جنجال برانگیز سخنرانان کنفرانس برلین و دیگر روزنامه نگاران اصلاح طلب بار دیگر سایر رویدادهای سیاسی کشورمان را تحت الشعاع قرار داد و همه نگاهها با شگفتی و اضطراب به سرنوشت رقت آور سخنوران و طنز پردازانی دوخته شد که قرار بود در اپرای تراژدی - کمیک اصلاحات، نقش قهرمانان ملی را ایفاء کنند. اهمیت بازداشت و محاکمه گنجی ها و سبحانی ها و نبوی ها بویژه در آن بود که پیش از این، نفس فعالیت اینگونه منتقدین نزد محافل راست و استحاله طلب همچون مظهر و مصداق تحمل دگراندیشی در جمهوری اسلامی تلقی می گردید و آزادی انتقاد صوری این خواص بمشابه پیش درآمد آزادی واقعی عوام الناس جلوه گر می شد! بیهوده نبود که تا همین چند ماه پیش هر کلام اکبر گنجی، هر سخن عزت الله سبحانی و هر طنز ابراهیم نبوی و . . . بلاوقفه در ایران بسان نمت های وزین قطعه کلاسیکی از واگنر در ارکستر سنفونی دو خردادی ها باز تاب می یافت و اصحاب اصلاحات در خارج از کشور نیز بلافاصله با غریو شیپور خود عبور قریب الوقوع جمهوری

بعد از سیاتل و پراگ، اینبار شهر نیس در جنوب فرانسه صحنه بیکار پرشکوه طبقه کارگر جهانی علیه نظم سرمایه داری و مظاهر مختلف آن بود. از اوایل هفته گذشته، دهها هزار کارگر از اقصی نقاط جهان و بویژه از کشورهای مختلف اروپائی راهی فرانسه شدند تا اعتراض و نفرت عمیق جنبش کارگری نسبت به پدیده موندیالیزاسیون و وحلت سرمایه دارانه اروپا را به گوش قدرتمندان جهانیان برسانند. روز چهارشنبه ۶ دسامبر یعنی یکروز پیش از آغاز اجلاس سران دول اروپائی، بیش از ۵۰۰۰۰ نفر در خیابانهای شهر نیس به راهپیمائی دست زدند. بنابه به گزارش همه خبرگزاری ها، این تظاهرات با آرامش کامل و با نظمی تحسین آمیز برگزار شد و در پایان تظاهرات سخنگویان صدها اتحادیه و تشکل کارگری و نمایندگان سازمانهای سیاسی و نهادهای علمی و فرهنگی با صدور قطعنامه های مختلف خواهان پایان دادن به پرستش سود و سرمایه، و اولویت بخشیدن به انسانها و رفاه و آسایش آنها شدند. آنان بدین منظور خواستار تصویب میثاق و منشور جدیدی در ارتباط با حقوق اولیه بشر بودند که در آن حقوق انسانی تنها به برابری صوری سیاسی ختم نشده بلکه همچنین حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان را نیز در بر گرفته و این حقوق برسمیت شناخته شود. این مسئله بویژه در شرایط رشد فقر و گسترش بی حقوقی در اروپا برای تشکلهای کارگری این قاره از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بود.

بقیه در صفحه ۲

از پناهجویان ایرانی در ترکیه حمایت کنیم!

صفحه ۳

دستگیری ناصر زرافشان نشانه درماندگی رژیم است!

طبق اطلاعات منتشره، ناصر زرافشان وکیل مدافع خانواده قربانیان قتل‌های معروف به زنجیره ای نیز بازداشت و روانه زندان شد. گویا جرم زرافشان دفاع از موکلینش بوده است و او طی مصاحبه ای به حذف بخشی از پرونده مربوط به این اقدام جنایتکارانه، بویژه حذف اعترافات مربوط به سعید امامی اعتراض کرده بود. دستگیری و محاکمه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین و اخیرا دستگیری وکلای مدافع خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای از جمله ناصر زرافشان، نشان دهنده اوج ابتذال و وحشی گری عوامل رژیم و درماندگی آنها در برابر رشد آگاهی و گسترش مبارزات مردم است. ماضن محکوم کردن دستگیری ناصر زرافشان، خواهان آزادی فوری وی و کلیه زندانیان سیاسی هستیم. رژیم جمهوری اسلامی و رهبران نابکار آن باید بدانند که با ادامه اقدامات ضد انسانی خود فقط سرنگونی خویش را نزدیکتر میکنند و به بار گناهان خود میافزایند.

بر سوی دیگر دست اندرکاران اتحادیه اروپا نیز در ۴ ژوئن ۱۹۹۹ طی نشستی در کولن به تنظیم منشوری در همین رابطه اقدام کرده بودند که قرار بود در اجلاس نیس به تصویب رسیده و در سراسر اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته شود. منشور کولن از سوی بسیاری از اتحادیه های کارگری شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته بود زیرا نه تنها بطور همه جانبه تری دست سرمایه داران را برای مک دونالدلیزه کردن بیش از پیش اشتغال باز می گذارد بلکه عملاً در مقایسه با قوانین کارگری موجود در برخی از کشورهای اروپائی گامی به عقب محسوب میشود.

در حال روز پنجشنبه ۷ دسامبر اجلاس چهار روزه سران اتحادیه اروپا آغاز شد و بیانه کولن بدون درنظر گرفتن تغییرات و اصلاحیه هایی که مجامع کارگری خواستار آن شده بودند، بعنوان منشور جدید حقوق بشری که ظاهراً شامل ۳۷۰ میلیون شهروند اروپائی

بقیه در صفحه ۲

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

از حماسه سرائی برای اصلاحات تا نوحه سرائی برای اصلاح طلبان

داشت و اگر جماعتی که نماینده افکار عمومی ایرانیان باشند در حضور ایرانیان مقیم خارج و آلمانیها روند اصلاحات در ایران را بیان کنند، زمینه خوبی برای سفر آقای خامنه‌ای خواهد بود! و اما اکبر گنجی نیز که تا مقطع این کنفرانس پیرامون اصلاح پذیری حکومت نعره سرمی داد، اکنون می‌بایست فریاد برآورد که وقتی مرا بعنوان یک روزنامه نگار شناخته شده شکنجه می‌کنند، با دیگران که صدایشان به جایی نمی‌رسد چه می‌کنند؟

با انتشار این مطلب، شیپورچیان اصلاحات که تاکنون در برابر کشتار و شکنجه هزاران زندانی سیاسی خود را به ناشنوایی زده و همچنان واگنرماپانه نوای ظهور "جامعه مدنی" را می‌نواختند، به یکباره با مشاهده اولین علائم شکنجه و بد رفتاری با اصحاب دولت خامنه‌ای، سازهایشان را به سبک نغمه های حزین تعزیه خوانی معصیب کوک کرده و با این جملات به توصیف "صحرای کربلای اصلاحات" پرداختند:

ماجرا از این قرار است که در زندان اوین دو بند وجود دارد که بیماران روانی جنایتکار، متجاوزین به محارم خود، بیماران جنسی و سارقین مسلح و قاتلان در آن زندانی هستند. یکی از این دو بند "بند جوانان" نام دارد که در آن مواد مخدر به آسانی رد و بدل می‌شود و به علت ارتباط جنسی زندانیان بدون هیچ نوع پوششی، ابتلای بیماری "ایدز" در این بند به شکل چشمگیری رو به گسترش است. در این بند ده سردهسته وجود دارد که هر یک تعدادی پیرو دارند، به محض ورود یک زندانی تازه، یکی از سردهسته ها او را برای خود عقد می‌کند، (بله درست خوانده اید در زندان نظام اسلامی ناب و تحت نظارت حضرت ولی فقیه

مردها ازدواج می‌کنند) و بعد از مدتی اگر او سیر شد او را به پیروانش واگذار می‌کند که از او متمتع شوند. در بند مجرمانی که با محارم خود رابطه داشتند، وضع بدتر از این است، چراکه... هنگامیکه مأموران زندانی جوانی را که اغلب دانشجو هستند به آنها تحویل می‌دهند که ارشادش کنند، به وحشی ترین شکل به این دانشجو تجاوز میشود. آنهم به صورت گروهی و حضوری. این مطلب بخشی از کشفیات "تازه" آقای دکترنوری زاده و نمونه برجسته ای از "آفشارگری" های طیفی است که دست کم در طول سه سال و نیم اخیر تمام تلاش مذبحخانه خود را بکار گرفته تا عمق بربریت جمهوری اسلامی را از افکار عمومی جهانیان پنهان سازد و از این رژیم قرون وسطانی چهره ای مدرن و متمددن عرضه کند! اکنون اما از آنجائیکه سرکوبگری رژیم دامنگیر اصلاح طلبان نیز گردیده و گذر تعدادی از آنان به سیاهچالهای رژیم افتاده، این طیف ظاهرا بران شده که به گوشه هائی از واقعیات تلخ جامعه ایران نیز اشاره کند! منتها نه برای نشان دادن ابعاد توحش و بربریت جمهوری اسلامی، بلکه برای تحمل پذیر جلوه دادن آن!

به دنباله مطلب گوش کنیم و ببینیم مرشدین اصلاحات حکومتی چگونه در عزای قهرمانان خود روضه خوانی می‌کنند:

حالا شما تصورش را بکنید یک انسان حساس و آزادمنش را که در دفاع از آزادی و حقوق مردم و عدالت اجتماعی قلم زده است پس از مدتی رها کردن در زندان انفرادی آنها بدون کتاب و قلم و روزنامه، با روحیه ای درهم شکسته و روانی فرسوده،

به بند "جوانان" یا "متجاوزان به محارم" ببرند و او را در میان افرادی رها کنند که به برکت افزایش مساجد و گسترش تظاهر به دین و نفاق و فریبکاری مذهبی، اخلاقیات را طلاق گفته اند و به همه نوع ردائیل آلوده اند. نیاز نیست که این افراد به سراغ قوچانی و یا نبوی و یا زید آبادی و گنجی بروند تا آنها را به پذیرش خواست قاضی مرتضوی و محسنی و اژه ای و احمدی مقدس و... وا دارند، بلکه وقتی در برابر زیدآبادی، هم سلول او را که جوانی دانشجو است مثل یک طعمه به دست یک بیمار جنسی می‌دهند تا با چاقو او را مجروح کند و پس از تجاوز به وی، درهای سلول را برایش باز کنند تا آزادانه به بند دیگری برود، طبیعی است که نویسنده آزاده به فغان بیاید و دست به اعتصاب غذا بزند و سرانجام روزی بشکند!!

اینکه آیا شرکت کنندگان در کنفرانس برلین و روزنامه نگاران اصلاح طلب آدم های "حساسی" و "آزادمنشی هستند یا خیر، اینکه آنان تا چه حد خواستار "آزادی مردم" و "عدالت اجتماعی" هستند و... بکلی فاقد ارزش و اهمیت اند. خوشبختانه توده های مردم ما به آن حد از بلوغ فکری و رشد سیاسی رسیده اند که خود را با چنین معماهای مضحکی - که داتما از جانب استحاله طلبان بمیان کشیده میشود - مشغول و سرگرم نکنند و اصلاحات جاری را نه برپایه تمایلات فردی گنجی ها و نبوی ها، که بر اساس عملکرد و گرایشات واقعی نهادهای قدرت و بویژه قدرت اقتصادی مورد قضاوت و ارزیابی قرار دهند.

سیاتل. پراگ و اینک نیس پیرامون مبارزه جهانی طبقه کارگر علیه سرمایه

میشود به بحث و بررسی گذاشته شد. این امر اگرچه ناراضیاتی سازمانهای سیاسی و اتحادیه های کارگری را موجب شد، لیکن بخشی از کارگران با استناد به برخی از مواد ۵۴ گانه این منشور امیدوار بودند که حداقل با تصویب آن بتوانند در کشورهای نظیر انگلستان از فشار لیبرالیسم افسار گسیخته ای که بی حقوقی مطلق کارگران را اشاعه میدهد، بکاهند. ساعتی پس از شروع کار اجلاس و با اعلام این مطلب که "منشور جدید حقوق بشر" عملا روی کاغذ مانده و هیچیک از کشورهای عضو اتحادیه ملزم به اجرای آن نیست، خشم و اعتراض کارگران شدت بالا گرفت.

آنان بار دیگر شاهد بودند که دول اروپایی ضمن ایجاد انواع و اقسام تسهیلات برای صدور و گردش سرمایه، حتی از رفت و آمد آزاد شهروندان اروپایی نیز جلوگیری می‌کنند.

بواقع در همانحال که چند دولتمرد اروپائی سرنوشت ۳۷۰ میلیون شهروند اروپائی را بدست گرفته و در کاخی مجلل مشغول سرهم بندی کردن اوامر انحصارات بودند، و درحالیکه هزاران پلیس ضد شورش برای سرکوب اعتراضات کارگران بسیج شده بود، اخباری داتر بر بستن مرزها بروی دهها هزار کارگر دیگر که قصد شرکت در این همایش را داشتند، زبان به زبان می‌چرخید. خبر حمله وحشیانه پلیس ایتالیا به هزاران کارگر ایتالیائی در مرز این کشور با فرانسه، خبر هجوم فاشیستها به تجمعات کارگری، خبر دستگیری فعالین کورس و خبر مبارزین باسک و... با شرح حال صدها هزار انسان بی سرپناه در قلب اروپا بهم گره خورد و با شلیک اولین گلوله گاز اشک آور، اعتراضات مسالمت آمیز کارگران بدل به شورش قهرآمیز گردید و مظاهر سرمایه یکی پس از دیگری ساخت.

هدف خشم کارگران قرار گرفت. در نخستین روز درگیریها، چند کمپانی بیمه، کمپانیهای اتومبیل تویوتا و ولوو و جاگووار و بانک ب.ن.پ توسط تظاهرکنندگان به آتش کشیده شد. همچنین به گفته خبرگزاریها کاخ آکروپولیس محل اجلاس سران اروپا نیز از ساعت ۲ بعد از ظهر توسط بیش از ۴۰۰۰ نفر مورد حمله قرار گرفت که قصد داشتند کاخ را به آتش بکشند.

آنچه هم اینک در شهر نیس می‌گذرد، بیانگر این واقعیت است که پس از گذشت دو قرن از انقلاب بورژوائی فرانسه و طرح شعار دروغین آزادی و برابری و برادری، کارگران اروپائی باید همچنان برای برسمیت شناختن حقوق اولیه انسانی مبارزه کنند! بورژوازی اروپا با رد این خواسته و سرکوب کارگران ماهیت ضد انسانی و ارتجاعی خود را بیش از پیش آشکار ساخت.

از حماسه سرائی برای اصلاحات تا نوحه سرائی برای اصلاح طلبان

از پناهجویان ایرانی در ترکیه حمایت کنیم!

طبق اطلاعات دریافتی از ترکیه چنانچه پناهجویان ایرانی و کرد با مشکلات عدیده ای مواجه اند. از یکسو دفتر کمیساریای پناهندگی سازمان ملل از پذیرفتن متقاضیان پناهندگی در این کشور سر باز می زند و از سوی دیگر دولت ترکیه به واسطه توافقاتی که با ایران به عمل آورده، تلاش خود را در دستگیری و بازگرداندن پناهجویان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی چندین برابر کرده است.

ناتوانی جمهوری اسلامی در حل بحرانهای سیاسی و عمق گیری درگیری های جناحی از یکسو و جنگ همه جانبه جناح های رژیم علیه نیروهای مخالف حاکمیت سرمایه و مذهب بر ایران که به دستگیری جوانان و دانشجویان معترض و نیز زندانیان سیاسی آزاد شده انجامیده است، بسیاری را از ایران گریزان کرده است.

در عین حال و با توجه به بحرانهای سیاسی و اقتصادی دامنه دار در ایران، به همان شدتی که توهمات نسبت به نقش دولت خاتمی فرو می ریزد تعداد هر چه بیشتری از اقشار و آحاد ملت خانه و کاشانه خود را رها کرده به امید یافتن روزنه ای از امید نسبت به آینده راهی کشورهای همسایه و بخصوص ترکیه می شوند تا از آن طریق به کشور سومی راهی شوند.

علیرغم همه این واقعیات، بسیاری از کشورهای طرف قراردادهای اقتصادی با ایران با امن شمردن ایران هم از تعهدات بین المللی خود در رابطه با پناهندگان سرپیچی می کنند و هم با خوشرقصی برای رژیم ایران، همکاری سران رژیم را برای بستن قراردادهای چندمیلیون دلاری جدید تضمین می کنند. با اعتراض همه جانبه به سازمان ملل جلوی این توطئه امپریالیستی را باید گرفت!

حماسه آفرید و با شور و شوق به میدان آمد تا با لبخند و شعر و همبستگی، گذار استبداد به نیم دمکراسی وعده ای خاتمی را تحقق بخشد، و مشاهده می کنند که شب قبل یازده تن به او تجاوز کرده اند، انتظار دارید که آنها همچنان در برابر فشارها مقاومت کنند!!

عجب! پس برای در هم شکستن "مقاومت" قهرمانان اصلاحات همین کافی بود که یک نمونه از هزاران مورد جنایتی را که در زندانهای رژیم رخ داده و میدهد، بشنوند؟! نویسنده بخوبی میدانند که هیچ انسانی تابحال به صرف محروم شدن چند هفتگی از کتاب و قلم و کاغذ "شکسته" است که نبوی ها نفر دوم اش باشند. لذا وی برای توجیه درهم شکستن روحیه "قهرمانان ملی" خود باید دلایل محکم تری ارائه کند که هم حیثیت قهرمانان حفظ شود و هم آبروی بریاد رفته جریان اصلاح طلبی احیاء گردد. با یکچنین هدفی است که نویسنده به سراغ دانشجو میرود و بهمان سان که از در و دیوار و میله های زندان سخن می گوید، اسمی هم از جوان دانشجو میبرد که گوئی صرفا بدین خاطر اسیر شده و شکنجه میشود که صحنه تعزیه خوانی پر احساس تر جلوه کند و برخلاف بازار حماسه سرائی در وصف اصلاحات - که سخت به کسادگی گرائیده - بازار نوحه سرائی در مرگ قهرمانان آن همچنان داغ و پر رونق بماند.

اما برگردیم به سخنان اصل مطلب! از دید نویسنده همچون در قاموس دیگر استحاله طلبان، ظاهرا تنها دو دسته زندانی در ایران وجود دارد: یک دسته شامل بیماران روانی و جنسی و جنایتکار و قاتل و متجاوز به محارم است که با هرگونه اخلاقیات طلاق گفته اند، و دسته دوم دربرگیرنده افرادی نظیر عماد الدین باقی و شمس الواعظین و عبدالله نوری و گنجی و سبحانی و نبوی است که برای نویسنده مظهر اخلاقیات بشمار می آیند! البته همانگونه که شاهد هستید در این وسط گاه و بیگاه سر و کله یکی دو نفر دیگر هم در تعزیه پیدا میشود که دست بر قضا دانشجو هستند و باز برحسب اتفاق، مورد شکنجه های وحشیانه نیز واقع می گردند! منتها جناب مرشد کاری به کار این عده ندارد، راجع به اینکه این افراد در زندان چه میخواهند حرفی نمی زند، علل اسارت و شکنجه شان را مسکوت می گذارد و بجای جمهوری اسلامی، بیماران روانی و جنسی را مسبب بلایای آنان قلمداد می کند.

و اما این هم صحنه آخر: فریاد گنجی را شنیدید که از شکنجه و شلاق و تهدید می گفت، از رها کردنش در بند جانیمان و بیماران جنسی شکوا داشت. وقتی باقی و شمس الواعظین و صفری و عبدالله نوری و . . . پیکر درهم شکسته دانشجویی را می بینند که در دوم خرداد

آدرسها و شماره فاکس

تماس با سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

kar-Co

Box 10063

S-400 70 Göteborg/

Sweden

فاکس روابط عمومی

+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی

webmaster@fedayi.org

آخرین اطلاعاتی های سازمان

را از آدرس اینترنت

دریافت کنید!

www.fedayi.org

با کمک های مالی

خودما را در پیشبرد

وظایف انقلابی مان

یاری رسانید!

Jahan-e communisti

No: 4, 11 December 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم